شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

شنبه

سال پانزدهم
۸ مهر ۱۴۰۲
۱۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۵
شماره ۴۰۴۵

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
- سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
- نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

دمای هوای مشهد

رطوبت هوا	۳۲٪	۱۱° ↓ ۲۴° ↑	
صبح	۱۳	ظهر	۲۲
عصر	۲۳	شب	۱۷

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر	۱۱:۲۱:۳۶	نیمه شب شرعی	۲۲:۳۹:۳۵
غروب آفتاب	۱۷:۱۷:۲۹	اذان صبح فردا	۰۴:۰۲:۳۳
اذان مغرب	۱۷:۳۵:۴۱	طلوع آفتاب فردا	۰۵:۲۶:۳۲

کارتون شهر

تقدیم به تمام ناشنوایان که سکوتشان پر از نواهای شنیدنی است.

مجید ادیبی

شوخی بی‌شوخی

ساعت زباله ها!

مهدی محمدی
طنزپرداز

همین که خواستم پلاستیک زباله را کنار تیر چراغ برق توی کوچه بگذارم صدایی را شنیدم.

- دوست عزیز شما خیلی خیلی زود آشغال ها رو می ذاری تو کوچه!

سرم را برگرداندم، همسایه بود. به ساعتم نگاه کردم و گفتم: الان ساعت ۸:۵۹ دقیقه است. فقط یک دقیقه مونده تا ساعت ۹.

- همسایه گفت: شما درست می فرمایید ولی الان ۹ صبح است، نه ساعت ۹ شب.

+ خندیدم و گفتم: راست می گی ها. آخه عینک دودی زده بودم به چشمم، فکر کردم الان ۹ شبه.

- عجیبه عینک دودی باعث شد شما فکر کنید شبه؟

+ آره. تازه دیروز سر ظهر هم عینک دودی زده بودم که پسرم اومد خونه، دعواش کردم تا این وقت شب کجا بودی؟ ضمن اینکه فقط دوازده ساعت مونده تا ۹ شب.

- ولی همسایه گرامی، آشغال ها رو از الان بذاری بیرون، گربه ها پلاستیک زباله رو پاره می کنن.

در همین لحظه یکی از گربه های کوچه از کنارمان رد شد و گفت: البته ما گربه ها هیچ وقت پلاستیک این آقا رو پاره نمی کنیم.

+ با غرور وصف ناپذیری گفتم: می بینی گربه های کوچه چقدر هوای من رو دارن.

گربه ادامه داد: پاره نمی کنیم چون تجربه چندین ساله ما نشون میده داخل پلاستیک این آقا نه استخون داره، نه ته مونده غذا داره، ونه هیچ چیز دیگه که به دردمون بخوره! اصلا فکر کنم سرانه مصرف گوشتشون صفره.

+ به گربه گفتم پیشده! تا محل را ترک کند و بیش از این اطلاعات اقتصادی مرتبط با خانوارمان را لو ندهد.

- همسایه گفت: حتی این گربه ها هم پاره نکنند پشه و مگس دورش جمع میشه.

+ خودم همین جا وامیستم مانع تجمع حشرات موذی می شم.

- یعنی می خوای تا ساعت ۹ شب اینجا واستی مواظب باشی حشرات تجمع نکنن.

+ البته نیازی نیست من خودم واستم. طبق پیش بینی های هواشناسی هوا داره سرد میشه و حشرات هم توی سردی هوا کمتر حضور به هم می رسونند. احتمالا شما اخبار هواشناسی استان رو از تلویزیون نمی بینی.

- ببخشید ولی حشرات هم جمع نشن، منظره کوچه خیلی زشت میشه.

+ من که مسئول زیباسازی کوچه نیستم. الان ماشین شما هم که توی کوچه پارک می کنی گلگیرش یک وجب رفته داخل. من اومدم به شما بگم که ماشین شما منظره کوچه رو زشت می کنه.

- همسایه آه بلندی کشید و گفت: واقعا هیچ جوابی ندارم بهتون بدم.

+ گفتم: جواب ندارید چون حرف حساب جواب نداره.

خواستم آشغال را بگذارم و برگردم خانه که یکی دیگر از همسایه ها از خانه اش آمد بیرون و تا من را دید که پلاستیک زباله را دارم آنجا می گذارم با عصبانیت داد زد: آخه سر صبح کدوم انسان شریفی آشغالش رو می ذاره بیرون. چون آدم یکی به دو کردن با کسی نیستم تصمیم گرفتم پلاستیک آشغال را کنار کوچه نگذارم. البته اینکه این همسایه یک مربی جودوی باسابقه بود هم در این تصمیم من بی تأثیر نبود.

اول شخص

«تو بر این دکان زمانی صبر کن»*

درباره کریم زمانی، مولوی‌شناس، هم‌زمان با روز بزرگداشت مولانا

علی باقریان
روزنامه نگار

در میان ادب پژوهان، کم نیستند کسانی که عمر خود را، سراسر، وقف تحقیق درباره یک شاعر یا نویسنده نامی و افکار و آثار او کرده باشند. از این دست اند مردانی همچون عفیف عُسَیران که در عرضه آثار عین‌القضات همدانی به جان کوشیده است، سلیم نیساری که سال ها در راه به دست دادن نسخه‌ای سزاوار از غزل‌های حافظ شیرازی گام زد، جلال خالقی مطلق که هنوز هم به فردوسی توسی و اثر بزرگ او، «شاهنامه»، مشغول است، بدیع الزمان فروزانفر که مجدانه به جلال‌الدین بلخی و نظم و نثر او پرداخت و درباره این اندیشمند فارسی‌زبان و اندیشه‌های او مقالات و کتاب‌هایی کم‌نظیر پدید آورد.

«احادیث مثنوی» و «خلاصه مثنوی» و «شرح مثنوی شریف» و «مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی»، و تصحیح «کلیات شمس یا دیوان کبیر» و «فیه ما فیه» از این جمله‌اند.

اما پژوهشگران دیگری هم هستند که عمده زمان و توان خود را مصروف مولوی کرده باشند. از این گروه، در میان کسانی که هنوز زنده‌اند، دو تن بیش از دیگران سعی نموده‌اند و شهرت یافته‌اند: محمدعلی موحد و کریم زمانی. موحد، که سن‌وسال و سابقه بیشتری دارد، چند دهه است که بر سخنور بلخی و هرآنچه بدو بازبسته متمرکز است، چنان که، علاوه بر او، به شمس تبریزی (دوست شاعر و گوینده «مقالات») و سلطان ولد (پسر شاعر و سراینده «ابتدانامه») و سپهسالار (پیرو شاعر و نویسنده «رساله در مناقب خداوندگار») و میراث ایشان نیز پرداخته است.

آخرین کار او در این باب نیز عرضه تصحیحی نو از «مثنوی معنوی» است که پس از سال‌ها تصحیح رینولد نیکلسون از این کتاب را تا حدی به حاشیه رانده است.

اما زمانی به طریقی دیگر پای در راه مولوی‌پژوهی نهاده است: او، بیشتر، دل مشغول شرح آثار این سخنور بزرگ، به‌ویژه «مثنوی»، بوده است. «شرح جامع مثنوی معنوی» (در ۷ جلد) شناخته‌ترین و مهم‌ترین تألیف زمانی در این زمینه است که همه دوستداران مولوی، کمابیش، آن را می‌شناسند و پیش چشم دارند.

زمانی، علاوه بر این اثر عظیم، با دو کتاب «بر لب دریای مثنوی معنوی: متن کامل مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی رومی همراه با بیان مقاصد ابیات» و «میناگر عشق: شرح موضوعی مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی» نیز، در صورتی جمع وجورتر، به این سروده شاعر بلخی پرداخته است. «فیه‌ما‌فیه (به‌همراه شرح کامل دشواری‌ها، اصطلاحات عرفانی، اشارات و تلمیحات)» نیز تلاش این محقق در تبیین و توضیح سخنان منثور مولوی است که منبعی مهم در فهم منظومات او هستند.

آخرین کار زمانی در این عرصه، که البته هنوز به‌انجام نرسیده است، کاری است کارستان که نتیجه‌اش حتی از آن «شرح جامع» نیز مفصل‌تر و چه بسا بهتر خواهد بود. «شرح دیوان شمس تبریزی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی رومی»، که تا امروز دو جلد از آن به بازار آمده است، اثری است که نظیر آن را ندیده‌ایم. دور نیست که حجم و پیچیدگی این مجموعه پژوهشگران را، تا کنون، از تشریح و توضیح کل آن بازداشته باشد و ایشان را به فراهم آوردن گزیده‌ای از آن، و شرح همان گزیده، قانع کرده باشد؛ حتی محمدرضا شفیعی کدکنی نیز به چنین کاری بسنده کرده است، اگرچه با تفصیل بیشتر. با این همه، چنین می‌نماید که زمانی عزم جزم کرده است که این راه را تا پایان بپیماید.

شرح اخیر، که مؤلف آن را بر اساس نسخه فروزانفر استوار ساخته است، بسیار جزئی‌نگرانه است.

زمانی به هر شعری یک عنوان ویژه داده و در ادامه درباره بحر و وزن عروضی آن توضیحاتی آورده است. او، سپس، بیت‌ها را یکی یکی یا چند تا چند تا، بسته به نسبتی که بین آن‌ها هست، به فارسی امروزی برگردانده و آن‌گاه تبیینی کلی از آن‌ها به‌دست داده است؛ در پایان نیز، مفصل، به لغات و اصطلاحات و تعبیرات شعر پرداخته است، چندان که هر بخش چندین صفحه جا گرفته است. بنابر شیوه‌ای که زمانی انتخاب کرده و راهی که در پیش گرفته است، به نظر می‌رسد که این شرح بر سی جلد بالغ شود. امید که او تن درست و ثابت‌قدم بماند و از عهده این امر خطیر به‌درآید!

* مصراعی است از مولوی.

استوری گرام

حکایت فیل در تاریکی

«فیل در تاریکی» با تصویرگری سعید رزاقی- از مجموعه کتاب‌های مولوی‌نامه

امید مهدی نژاد
شاعر و نویسنده

در دوران حکومت سلطانشاهیان، تاجری از سرزمین هند به همراه مال‌التجاره‌ای فراوان شامل چای ترش، چای سبز، چای سفید، چای شیرین، فلفل، هل، زنجفیل و فیل وارد قونیه شد و از آنجا که با یکی از تاجران قونیه آشنایی قدیمی داشت، در منزل وی سکنی گزید. وقتی تاجر میهمان مال‌التجاره‌اش را در انبار تاجر میزبان گذاشت و رحل اقامت خود را در منزل او افکند و دوش گرفت و گرد سفر از تن شست، تاجر میزبان به نزد وی آمد و پس از خوشامدگویی به وی، درباره برنامه وی از وی سؤال کرد.

تاجر میهمان گفت: بنا دارم چای ترش را در قونیه به عمده فروشان و بنکداران بفروشم و چای سبز و چای سفید را به حلب ببرم و چای شیرین را خودم بخورم و فلفل و هل و زنجفیل را به تاجری در قسطنطنیه بفروشم و فیل را نیز برای تحویل به سیرک بزرگ خلیل عقاب به آنطالیا ببرم.

تاجر میزبان گفت: چه خوب. وی سپس افزود: بیا پیش از تحویل فیل با آن تفریحی بکنیم. تاجر میهمان گفت: آخ جون تفریح. حالا چه تفریحی؟ تاجر میزبان گفت: مردم این شهر تا به حال فیل ندیده‌اند و با آن آشنایی ندارند. بیا او را در اتاق تاریکی قرار دهیم و از رعیت بخواهیم یکی یکی وارد اتاق شوند و فیل را لمس کنند و بگویند چه چیزی را لمس کرده‌اند.

بی شک پاسخ های مضحکی از قبیل شیلنگ و بادبزن و ستون و شمشیر و شیر سماور خواهند داد واسباب خنده و تفریح ما را فراهم خواهند ساخت.

تاجر میهمان که علاقه بسیاری به خنده و تفریح داشت پیشنهاد تاجر میزبان را قبول کرد. فردای آن روز دو تاجر اتاق تاریکی را آماده کردند و فیل را در آن قرار دادند و مردم را صدا کردند و از آن ها خواستند یکی یکی به داخل اتاق بروند و بر چیزی که داخل اتاق است دست بسایند و پس از بیرون آمدن گزارش دهند که بر چه چیز دست بسوده‌اند. مردم نیز صف بستند تا یکی یکی وارد اتاق تاریک شوند.

نفر اول وارد اتاق شد و پس از دقایقی بیرون آمد. تاجران پرسیدند: چی بود؟ گفت: به گمانم خرطوم فیل بود. نفر دوم وارد اتاق شد و پس از دقایقی بیرون آمد. تاجران پرسیدند: چی بود؟ گفت: به گمانم گوش فیل بود. نفر سوم وارد اتاق شد و پس از دقایقی بیرون آمد. تاجران پرسیدند: چی بود؟ گفت: به گمانم پای فیل بود. نفر چهارم وارد اتاق شد و پس از دقایقی بیرون آمد.

تاجران پرسیدند: چی بود؟ گفت: به گمانم عاج فیل بود. در این لحظه تاجر میهمان رو به تاجر میزبان کرد و گفت: وا. این ها قبلا فیل دیده بودند؟ تاجر میزبان گفت: بعید می دانم. تاجر میهمان گفت: پس چرا؟ تاجر میزبان یکی از مردم را کنار کشید و از وی پرس وجو کرد و به تاجر میهمان گفت: این ها کلیدواژه فیل را در داستان های مثنوی سرچ کرده‌اند. وبدین ترتیب مردم عادی با استفاده از موتورهای جست وجو تفریح تاجران را منغص کردند و به خانه های خود بازگشتند.

حکایت

هرجا که باشی و در هر حال که باشی جهد کن تا محب باشی و عاشق باشی و چون محبت ملک تو شد همیشه محب باشی درگور و در حشر و در بهشت الی مالانهایه چون تو گندم کاشتی قطعا گندم روید و در انبار همان گندم باشد و در تنور همان گندم باشد.

مجنون خواست که پیش لیلی نامه نویسد قلم در دست گرفت و این بیت گفت

خَیالِکِ فِیْ عَیْنِیْ وَاِسْمِکِ فِیْ فَمِیْ وَذِکْرُکِ فِیْ قَلْبِی اِلَی اَیْنَ اَکْتُبُ

خیال تو مقیم چشم است و نام تو از زبان خالی نیست و ذکر تو در صمیم جان جای دارد پس نامه پیش کی نویسم چون تو درین محل ها می گردی قلم بشکست و کاغذ بدرید.

مولانا/فیه‌مافیه/فصل چهل‌وسوم

جهد کن تا محبّ باشی و عاشق باشی

عکس روز

جشن وحدت و همدلی

هم‌زمان با هفته وحدت اسلامی، میلاد پیامبر(ص) و امام جعفر صادق(ع) اجتماع ذاکران نبوی و اهل بیت(ع) با حضور عاشقان نبوت و اهل بیت(ع) در میدان آزادی سنندج برگزار شد.

ایده شکل گیری و برگزاری جشن های مشترک شیعه و سنی در این ایام برای نخستین بار از سوی رهبر معظم انقلاب مطرح و اجرا شد.

برای مشاهده گزارش تصویری کد را اسکن کنید.

عکس: ایرنا